زیارت قبر از  
دیدگاه قرآن

**تألیف:  
دکتر/ طه حامد الدلیمی**

**ترجمه و نگارش:  
محمد عبداللطیف انصاری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | زیارت قبر از دیدگاه قرآن | | | |
| **عنوان اصلی:** | المنهج القرآني الفاصل بين أصول الحق وأصول الباطل | | | |
| **تألیف:** | دکتر طه حامد الدلیمی | | | |
| **مترجم:** | محمد عبداللطیف انصاری | | | |
| **موضوع:** | عقاید کلام – مجموعه عقاید اسلامی – بررسی عقاید مذهبی شیعه ... | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | اسفند (حوت) 1394 شمسی جمادی الاول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc442606638)

[مقدمۀ مترجم 1](#_Toc442606639)

[مقدمۀ مؤلف 5](#_Toc442606640)

[مقام و منزلت زیارت قبور در نزد شیعه 7](#_Toc442606641)

[مقام و منزلت کربلاء و نجف و قبور أئمه 9](#_Toc442606642)

[ادعای بزرگ ولیکن بدون دلیل! 13](#_Toc442606643)

[حج و مکۀ مکرمه و مساجد در قرآن کریم 15](#_Toc442606644)

[حج در قرآن کریم: 15](#_Toc442606645)

[مکۀ مکرمه «بلد الأمین» در قرآن کریم: 21](#_Toc442606646)

[بیت الله و مسجد الحرام در قرآن کریم: 22](#_Toc442606647)

[نماز و مسجد در قرآن کریم: 25](#_Toc442606648)

[نه قبری و نه زیارتگاهی در قرآن! 29](#_Toc442606649)

[پیروی از متشابه 31](#_Toc442606650)

[احکام زیارت در کجای قرآن است؟ 35](#_Toc442606651)

[وسیله و بهانۀ حب اهل بیتش 37](#_Toc442606652)

[نفس پرستی (خود پرستی) 41](#_Toc442606653)

[بدعتی جدید 45](#_Toc442606654)

[زیارت شرعی و زیارت غیر شرعی 49](#_Toc442606655)

[منابع 57](#_Toc442606656)

مقدمۀ مترجم

الحَمْدُ للهِ رَبِّ العَالمِينَ، وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ­­، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلى يَوْمِ الدِّيْنِ. أمَّا بعد:

اللهأ قرآن کریم را کتاب هدایت و قانون زندگی و جدا کنندۀ حق از باطل فرستاد:

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ﴾ [الإسراء: 9].

«این قرآن به راهى هدایت مى‏کند که مستقیم ترین راه ها است».

و همچنین آن را هدایتی برای پرهیزکاران فرستاد:

﴿هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢﴾ [البقرة: ٢].

«براى پرهیزگاران رهنماست».

و رسول اللهص را اسوه والگوی بشریت قرار داد:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: ٢١].

«به راستى براى شما، در رسول الله الگو و سرمشقى نیکوست».

ایشانص علاوه بر رساندن کتاب الله و تبلیغ دین مبین اسلام با گفتار و کردار نیک و پسندیده که همان سنت گرانبهایشان می‌باشد به بشریت عموماً و مسلمانان خصوصاً عقیدۀ خالص و انسان بودن را و انسان زیستن و اخلاق و تربیت سالم را آموختند و ذات ذوالجلال باری تعالیأ نیز ایشان را ستود که:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ ٤﴾ [القلم: ٤].

«تو بر خوردار از خلقى بزرگ (و پسندیده) هستى».

و بر گفتار گهربارشان مهر تأیید نهاد که:

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣﴾ [النجم: ٣].

«و از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید».

و ما را به اطاعت از ایشانص امر نمود:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ٥٩﴾ [النساء: 59].

«اى مؤمنان، از الله اطاعت کنید و از رسول [او] و صاحبان امرتان [پیشوایان هم‏] اطاعت کنید و هر گاه در چیزى اختلاف کردید، اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، آن را به (حکم) الله و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام‏تر است».

و در پرتو این ارشادات الهی و روش قرآنی در فرق بین حق وباطل و رجوع به کتاب الله در مسایل اختلافی، جناب دکتر طه حامد الدلیمی که یکی از نویسندگان چیره دست و از جمله علمای بزرگ جهان اسلام می‌باشند مسألۀ زیارت قبر را مورد بحث وبررسی قرار داده‌اند که جایی برای مناقشه و بحث و جدال برای حق جویان نمی‌گذارد مگر کسانی که اللهأ بر دل‌هایشان مهر نهاده است و آن‌ها سخن حق را نمی‌پذیرند[[1]](#footnote-1).

﴿صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ١٨﴾ [البقرة: ١٨].

«کرند، گنگند، کورند. پس آنان به راه نمى‏آیند».

و آن‌ها طرف سخن ما هم نیستند بلکه مخاطبان ما کسانی‌اند که:

﴿ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٨﴾ [الزمر: ١٨].

«کسانى که سخن [ها] را مى‏شنوند، آن گاه از بهترینش پیروى مى‏کنند. اینان کسانى‌اند که الله هدایتشان کرده و ایشانند خردمندان».

جناب دکتر طه الدلیمی در این مختصر به بررسی زیارت قبور از دیدگاه قرآن کریم پرداخته و با دلایل قرآنی بطلان عقاید کسانی را که زیارت قبور را بالاتر از ارکان اسلام دانسته‌اند و صدها خرافه و بدعت دیگر را به آن چسپانده‌اند ثابت می‌سازد و اگر برادران وخواهران مسلمان خواستند بیشتر در این باره مطالعه کنند می‌توانند به این کتاب ها که در سایتwww.aqeedeh.com نشر شده مراجعه نمایند:

خرافات وفور در زیارات قبور

تالیف: آیت الله العظمى علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

زیارت قبور بین حقیقت و خرافات

تألیف: استاد حیدر على قلمداران قمی

زیارت از دیدگاه ائمه

تألیف: دکتر عبدالهادى حسینى

و لازم به تذکر است که کلمات و جملاتی که در داخل پرانتز () آمده اضافات مترجم می‌باشد که برای توضیح بیشتر مطلب بوده است.

امید است اللهأ این کوشش ما را چراغ راهی برای کسانی بگرداند که می‌خواهند از ظلمت و اوهام قبر پرستی و زیارت پرستی به جادۀ پرنور حق پرستی گام بردارند.

محمد عبداللطیف انصاری

abusaeedansari@gmail.com

مقدمۀ مؤلف

زیارت قبور بخش کوچکی از شریعت بزرگ و وسیع اسلام می‌باشد که عملی مباح به شمار رفته و انجام دادن و یا ترک آن با هم برابر است. و اگر همراه با نیت صالح و بدور از اعمال شرک آمیز انجام گیرد عملی مستحب و نیکو می‌باشد.

زیارت قبور در روزهای نخستین قانونگذاری اسلامی ممنوع اعلام شد، تا آنکه رسول اللهص وسلم با این سخن مبارک خود به آن اجازه دادند:

«كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا». [صحیح مسلم 2305]

«شما را از زیارت قبرها منع کرده بودم، اکنون آن‌ها را زیارت نمائید».

و جالب است بدانید که در قرآن کریم ذکری از زیارت قبور نیامده است. و اگر مسلمانی از دنیا برود و قبری را زیارت نکرده باشد و یا به زیارتگاهی قدم ننهاده باشد مورد بازخواست باری تعالی قرار نمی‌گیرد و در هنگام سوال و جواب از او نمی‌پرسند که چرا به زیارت قبری نرفته است.

لکن در نزد شیعه زیارت قبر جایگاه مخصوصی دارد طوریکه می‌گویند:

«اگر انسانی همۀ اعمال أنبیاء علیهم السلام را انجام دهد و لکن قبر مخصوصی را زیارت نکرده باشد خداوند از او هیچ عمل نیک و پسندیده ای را نمی‌پذیرد و بر او خشم گرفته و مورد لعنت قرار می‌دهد و برایش عذاب جهنم و سرانجام بدی را مهیا می‌سازد».

این رسالۀ کوتاه بر اساس همین وهم و گمان نوشته شده است، که در آن از روش قرآن مجید در اثبات امور مهم پیروی نموده‌ام و همچنان کوشیده‌ام تا این وهم و گمان باطل را با دلیل و برهان نقض نموده و باطل بودن آن را هویدا سازم. و این همان راز کوتاهی و اختصار این رساله می‌باشد، بلکه اگر بخواهید می‌توانم بیشتر از این هم اختصار دهم زیرا همین حالا نیز به این عقیده‌ام که این رساله با وجود اختصار باز هم خیلی طولانی است. زیرا کسی را که اللهأ به راه حق و قرآن هدایت نموده باشد، برای شناخت حق و باطل محتاج سخن فراوان و دلایل بی شمار نمی‌باشد زیرا عاقلان را اشارتی کافیست. و چه زیبا گفته‌اند که: «العلم نقطة کثرها الجاهلون» «علم مانند نقطه ای است که جاهلان آن را افزایش داده‌اند».

و با این مطلب از بارگاه الله تبارک و تعالی می‌خواهم که نویسنده و خواننده و (مترجم) و کسانی که در نشر این رساله کوشش نموده‌اند را از اجر و ثواب بی نصیب نگرداند.آمین

دکتر/ طه حامد الدلیمی

مقام و منزلت زیارت قبور در نزد شیعه

زیارت قبر در نزد شیعه با منزلت حج بیت الله که یکی از ارکان مهم دین مبین اسلام می‌باشد برابری می‌کند بلکه می‌توان گفت که متأسفانه زیارت قبر در نزد آن‌ها افضل‌تر، واجب‌تر و دارای أجر و ثواب فراوانتری از حج بیت الله می‌باشد. زیرا معتقدند که تارک آن از دایرۀ اسلام خارج است.

زیارت قبر جزو علامات بارز و شعار مذهب شیعه است چنانکه اگر زمانی قبرها و زیارت گاهای مشهور آن‌ها محو و نابود شود، دیگر طایفه ای به نام شیعه وجود نخواهد داشت، زیرا ارتباط و علاقۀ شیعه به قبر مانند ارتباط و علاقۀ ماهی با آب می‌باشد. (زیرا عدم وجود قبر یعنی عدم وجود نوحه خوانی و زیارت و وجوهات وخلاصه بسته شدن همۀ درهای عوام فریبی و دروغ).

پس قبر و زیارت یکی از ضروریات اساسی مذهب شیعه می‌باشد که نمی‌توانند از آن بی نیاز باشند، به طور مثال می‌توانید تصور کنید که یک شیعه امامی‌نماز نمی‌خواند و یا به مسجد حاضر نمی‌شود و یا یکی از فرایض را ترک می‌کند، اما هرگز نمی‌توانیم تصور کنیم که شیعه ای از قبر و زیارت بدور باشد (مگر کسانی که اللهأ به آن‌ها نعمت عقل و بصیرت عطاء نموده است).

شاید دیده باشید که چگونه به قبر و زیارت دلبستگی شدید دارند و شیفتۀ آنند!! در حالیکه به نماز آنقدر دلبستگی ندارند بلکه بیشتر آن‌ها اصلاً نماز نمی‌خوانند.

مقام و منزلت کربلاء و نجف و قبور أئمه

آنچه در این جا بیان می‌شود مختصری از مقام و منزلت کربلا و نجف و قبور أئمه است که برگرفته شده از منابع معتمد و غیر قابل انکار آن‌ها می‌باشد.

کلینی(به دروغ) از ابوعبدالله «جعفر صادقس» روایت می‌کند که فرموده است:

«هرگاه مؤمنی در نهر فرات غسل نموده و در روز عرفات به قبر حسین بیاید، به هرگامی که بردارد ثواب یک حج و مناسک آن را دریافت می‌کند»!!. [فروع کافی4/580]

کربلا و نجف در نزد شیعه افضلتر از کعبۀ معظمه می‌باشند، آن‌ها نجف را نجف اشرف می‌نامند یعنی با منزلت‌ترین و شریف‌ترین مکان در روی زمین، یعنی اشرف‌تر و افضل‌تر از کعبه معظمه و مسجد نبویص و بیت المقدس! و معتقدند که نماز در نجف افضل‌تر از نماز در کعبۀ معظمه می‌باشد!!.

در کتاب منهاج الصالحین آیت الله خوئی که یکی از مراجع تقلید بزرگ شیعه در این عصر بود، آمده است:

«مسأله 562: نماز خواندن در زیارتگاه‌های أئمه علیهم السلام مستحب است. بلکه گفته‌اند که افضلتر از نماز خواندن در مساجد می‌باشد. و روایت شده است که نماز در کنار قبر علی علیه السلام برابر با دوصد هزار (دویست هزار) (200000) نماز می‌باشد».

خوئی در مسأله 561 - همین کتابش در بارۀ نماز در مسجد رسولص می‌گوید: «نماز در مسجد نبیص معادل ده هزار نماز می‌باشد»!!! یعنی نماز در مسجد بهترین عالم، سردار اولاد آدم محمد مصطفیص صدونود هزار (190000) درجه پائینتر از نماز در کنار قبر علیس است!!!.

و محمد صادق صدر یکی دیگر از علمای شیعه در عراق به صراحت می‌گوید: روایات متعددی در بارۀ فضیلت کربلا بر بیت الله الحرام آمده است. پس به این نتیجه می‌رسیم که قبر (علی) نیز افضلتر از مکه می‌باشد[[2]](#footnote-2).

واین شعر مشهور در کتاب التربة الحسینیه صفحه 56 از محمد حسین کاشف الغطاء آمده است که:

|  |  |
| --- | --- |
| وفی حديث کربلاء والکعبة | لکربلاء بان عـلوالرتبـة |

«هنـگام سخـن گفتن کربلاء و کعـبه آشکار می‌شود که کربلاء قطعاً درجۀ بلندتری دارد.»

و آیت الله میرزا حسن حائری بدون هیچ تردیدی اظهار می‌کند:

«کربلاء مزار مسلمین و کعبۀ موحدین می‌باشد»[[3]](#footnote-3).

(آیت الله سید صادق شیرازى بتارخ 16/8/1385 هـ ش در بخشی از بیاناتش که در پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه رسول اعظم در ایران نشر شد به جایگاه والاى زمین کربلاء اشاره نموده، تأکید کرد: «جماعتى از أعاظم علما و فقهاى ما نظیر شیخ انصارى، سید ابوالحسن اصفهانى، سید محمد کاظم یزدى، میرزا محمد تقى شیرازى و میرزاى نائینى ـ به پیروى از روایات گهربار اهل بیت† ـ در رساله‌هاى عملیه خود فرموده‌اند: نمازخواندن در شهر کربلاء ـ و نه فقط حرم مطهر سیدالشهدا یا قمر بنى هاشم إ ـ از نمازگزاردن در مسجدالحرام فضیلت بیشترى دارد».)

در جواب این مزخرفات این حدیث شریف را که ابن عباسب از پیامبرص روایت نموده نقل می‌کنیم که در روز فتح مکه فرمودند: «اللهأ در روز خلق آسمان‌ها و زمین این شهر را کرامت و حرمت بخشیده است و تا روز قیامت به حرمتِ اللهأ حرام شده است». [صحیح مسلم (2/986)]

و نیز ابن عباسب روایت کرده است که پیامبر ص خطاب به مکۀ مکرمه فرموده‌اند: «ما أطيبك من بلد، وأحبك إليَّّ، ولولا أنَّ قومك أخرجوني ما سكنت غيرك». [الترمذي (3926)]

«پاک‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از تو نزد من شهری نیست، و اگر اهل تو (ای مکه) مرا بیرون نمی‌کردند جز تو در جایی سکونت نمی‌کردم»).

از عبدالله بن عدی بن حمراء نقل شده است که: پیامبر ص را دیدم بر (حَزْوَرَه) تپه‌ای کوچک ایستاده بودند و خطاب به مکۀ مکرمه می‌فرمودند: «إنَّك لَخيرُ أرضُ الله، وَأَحَبُّ أرضِ اللهِ إِلى اللهِ، وَلَولا أنّي أُخْرِجْتُ منكِ ما خَرجتُ»[[4]](#footnote-4).

«تو بهترین سرزمین الله و محبوب‌ترین سرزمین الله نزد اللهأ می‌باشی، و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند بیرون نمی‌رفتم».

ادعای بزرگ ولیکن بدون دلیل!

بدون شک عملی به این بزرگی و منزلت و عبادتی به این ویژگی و شرافت که طبق روایات شیعه بر دیگر عبادت‌ها دارد، لابد در شریعت اسلامی ذکری از آن آمده است و یا به آن ترغیب شده و یا از ترک آن نهی شده باشد و یا آیاتی صریح در قرآن کریم در این باره آمده باشد. و نسبت به فضل مساجد و حج و زیارت بیت الله الحرام بیشتر به آن تأکید شده باشد. و گرنه تناقض و عدم انسجام در روش و منهج کتاب الله سبحانه وتعالی به وجود می‌آید که در بارۀ آن فرموده است:

﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا﴾ [الزمر: ٢٣].

«الله بهترین سخن را نازل کرده است. کتابى همگون [و] مشتمل مکرّرات.»

اما وقتی به کتاب پاک اللهأ (قرآن کریم) رجوع نمائید نامی از نجف و کربلاء و قم و مشهد و (سخی) و یا زیارت فلان قبر و فلان امام و یا فلان منطقه وجود ندارد چنانکه شیعه امروز ادعا می‌کنند!! بلکه حتی ذکری از رفتن به زیارتگاه‌ها و آداب و احکام و شروط آن بیان نشده است. و این بدون شک بطلان این عقائد و روایاتی را که در فضایل زیارتگاه‌ها و قبور أئمه بیان شده است را ثابت می‌نماید، همچنان روشن می‌گردد که این، خیالات و خزعبلات چیزی جز اوهام و گمان‌های باطل نمی‌باشد.

و هنگامی که اینگونه تصورات و خرافات را با بیان زیبا و دلنشین قرآن کریم که در آن فضل زیارت کعبۀ مشرفه و حج بیت الله الحرام که پاکترین و معظمترین و مقدس ترین مکان در روی زمین می‌باشد مقایسه نماییم، زشتی و بطلان عقاید خرافی شیعه بیشتر آشکار می‌گردد.

حج و مکۀ مکرمه و مساجد در قرآن کریم

در جاهای متعددی از قرآن کریم ذکر حج بیت الله و فضائل بی شمار آن آمده است، همچنان حکم وجوب آن همراه با بیان مناسک و اعمال و شعائر آن با تفصیل در قرآن کریم ذکر شده و حتی فضیلت مکۀ مکرمه و کعبۀ معظمه و کسانی که به قصد آن حرکت نمایند و کسانی که شب و روز معتکف آن‌اند نیز بیان شده است. که ده‌ها آیت مبارک قرآن کریم به آن اشاره نموده است که بطور مختصر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌نمائیم و هرگاه همۀ قرآن کریم را تلاوت نمائید آیتی و حتی کلمه ای از زیارتگاه و فضیلت قبر و امام و امام زاده و ذکری از نجف، قم و کربلا و مزار شریف و مشهد و غیره نشده است.

حج در قرآن کریم:

یکی از سوره‌های مبارک قرآن کریم «سورۀ حج» نامیده شده که متضمن آیات فراوانی در بیان احکام حج و مناسک آن می‌باشد، به این آیات مبارک توجه نمائید:

﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡ‍ٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ٢٦﴾ [الحج: 26].

«و چنین بود که جایگاه خانۀ [کعبه‏] را براى ابراهیم [با این دعوت‏] معین ساختیم که: چیزى را با من شریک میاور و خانه‏ام را براى طواف کنندگان و [به عبادت‏] ایستادگان و رکوع [و] سجود کنندگان پاکیزه دار».

﴿وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ ٢٧﴾ [الحج: 27].

«و در [میان‏] مردم به حج اعلام کن تا پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغرى راه‌های فراخ و دور را طی کنند و به سوى تو آیند».

﴿لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ٢٨﴾ [الحج: 28].

«تا منافع خود را با چشم خویش ببینند و نام الله را در روزهایى معلوم بر چهارپایان حلال گوشتى که(برای قربانی) به آنان روزى داده است، یاد کنند. پس از آن بخورید و به درماندۀ بینوا نیز بخورانید».

﴿ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٢٩﴾ [الحج:29].

«آن گاه باید که آلودگی [بدن‏] شان را بزدایند و به نذرهایشان وفا کنند و این بیت العتیق را طواف نمایند».

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَأُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ٣٠﴾ [الحج: 30].

«[حکم‏] این است. و هرکس که شعائر الله(اوامر ونواهی او تعالی) را بزرگ شمارد، [بداند که‏] آن [بزرگداشت‏] برایش به نزد پروردگارش بهتر است و چهارپایان(بز وگوسفند وشتر و..) برایتان حلال شمرده شده‏اند مگر آنچه بر شما بیان مى‏شود.(که مردارند) پس از پلیدى بتان دوری کنید و از سخن (شهادت) دروغ و افتراء بپرهیزید».

﴿حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيۡرَ مُشۡرِكِينَ بِهِۦۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخۡطَفُهُ ٱلطَّيۡرُ أَوۡ تَهۡوِي بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٖ سَحِيقٖ ٣١﴾ [الحج: 31].

«حقگرا و مخلص الله باشید و هیچگونه شرکی برای الله قرار ندهید. و هرکس که به الله شرک آورد، گویى که از آسمان فرو افتاده، آن گاه مرغان [مرده خوار] او را ربوده‏اند یا باد او را به جایى دور افکنده است».

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ ٣٢﴾ [الحج: 32].

«[حکم‏] این است. و هرکس شعایر الله (اوامر و نواهی و فرایض) را بزرگ شمارد، آن [بزرگداشت ناشى‏] از تقواى دل‌هاست».

﴿لَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٣٣﴾ [الحج: 33].

«در آن [حیوانات قربانی‏] برایتان تا زمان معین فایده‏هایى هست. آن گاه [قربان‏] گاهش به بیت العتیق است».

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكٗا لِّيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۗ فَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَلَهُۥٓ أَسۡلِمُواْۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ ٣٤﴾ [الحج: 34].

«و براى هر امّتى روش قربانى کردنى مقرر داشته‏ایم تا نام الله را بر آنچه از چهارپایان حلال گوشت که روزى‏شان کرده است، یاد کنند. معبودتان، معبود یگانه است، براى او تسلیم شوید. و به فروتنان مخلص نوید ده».

﴿ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمۡ وَٱلۡمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٥﴾ [الحج: 35].

«کسانى که چون الله یاد شود، دل‌هایشان ترسان گردد و [نیز] به بردبارانی که بر آنچه به آنان برسد شکیبایی پیش می‌گیرند و به نمازگزاران و [کسانى که‏] از آنچه روزیشان داده‏ایم انفاق مى‏کنند».

﴿وَٱلۡبُدۡنَ جَعَلۡنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ لَكُمۡ فِيهَا خَيۡرٞۖ فَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا صَوَآفَّۖ فَإِذَا وَجَبَتۡ جُنُوبُهَا فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡقَانِعَ وَٱلۡمُعۡتَرَّۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرۡنَٰهَا لَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٣٦﴾ [الحج: 36].

«و [قربانى کردن‏] شتران [درشت اندام‏] (و دیگر چهارپایان) را برایتان از جملۀ مراسم ومناسک الهی گردانیده‏ایم، در آن برایتان خیر است. پس نام الله را بر [ذبح‏] آن [شتران‏] در حالى یاد کنید که بر پا ایستاده‏اند، آن گاه چون پهلوى آن [شتران‏] به زمین رسد، از گوشت آن بخورید و به بینواى غیر سائل و فقیر سائل بخورانید. بدینسان آن را برایتان رام گردانیده‏ایم، باشد که سپاس گذارید».

﴿لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقۡوَىٰ مِنكُمۡۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمۡ لِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٣٧﴾ [الحج:37].

«[هرگز] گوشت‌هاى آن [قربانی‌ها] و نیز خون‌هایش به الله نمى‏رسد بلکه پرهیزگاریتان به او مى‏رسد. بدینسان آن [قربانی‌ها] را برایتان تسخیر کرد تا الله را به شکرانۀ آنکه شما را هدایت کرده است به بزرگى یاد کنید و به نیکوکاران نوید ده».

همچنان در سوره های دیگر قرآن کریم غیر از سورۀ حج نیز ذکر حج و بیان احکام آن آمده است که به طور نمونه به این آیات مبارک سورۀ بقره اشاره می‌نمائیم:

﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٩٦﴾ [البقرة: 196].

«و حجّ و عمره را براى الله به اتمام رسانید، آن گاه اگر باز داشته شوید (بنا بر عذری)، آنچه از قربانى [کردن‏] میسّر باشد [باید انجام پذیرد] و سرهایتان را متراشید تا آنکه قربانى به قربانگاهش برسد. پس هر آن کس از شما که بیمار و یا او را در سر ناراحتی باشد، [باید] کفّاره‏اى [که عبارت است‏] از روزه یا صدقه یا قربانى [بدهد]. و چون ایمن شدید، هرکس که به [سبب‏] اداى عمره تا [زمان‏] حج بهره بگیرد (منظور حج تمتع است) [باید که‏] از قربانى آنچه میسّر باشد [قربانى کند]، و هرکس که قربانی نیافت، [باید] در [وقت‏] حج سه روز و چون [از سفر] باز گشت، هفت روز، روزه بگیرد. این ده [روز] کامل است، این [حکم‏] (حج تمتع) براى کسى است که خانواده‏اش از ساکنان مسجد الحرام (شهر مکه) نباشد. و از الله بترسید و بدانید که الله دارای کیفر سختی است». و در سورۀ بقره می‌فرماید:

﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٧﴾ [البقرة: 197].

«[موسم‏] حج ماه‏هایى معلوم [و مشخص‏]‌اند، پس هر آن کس که در [این‏] ماه‏ها حج بر او واجب شد (احرام بست)، [بداند که‏] در حج آمیزش جنسى و بدکارى و مناقشه کردن [روا] نیست، و از [کار] نیک هر آنچه را که انجام مى‏دهید، الله آن را مى‏داند، وتوشه برگیرید (برای سفر حج)، و در حقیقت بهترین توشه تقوا (وپرهیزگارى) است. و اى خردمندان، از من بترسید».

﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡۚ فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ ١٩٨﴾ [البقرة: 198].

«بر شما در آنکه [به موسم حج‏] از پروردگارتان روزى بخواهید گناهى نیست، پس چون از عرفات باز گردید در نزد مشعر الحرام، الله را یاد کنید و به شکرانۀ آنکه شما را هدایت کرد، یادش کنید. و به راستى پیش از آن از گمراهان بودید».

﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٩﴾ [البقرة: 199].

«آن گاه از آنجا که مردم باز مى‏گردند، باز گردید و از الله آمرزش بخواهید. به راستى الله آمرزندۀ مهربان است».

﴿فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ ٢٠٠﴾ [البقرة: 200].

«پس چون مناسک [حج‏] خود را به جا آوردید، الله را همچون یاد کردن پدرانتان بلکه به یاد کردى [بهتر و] بیشتر، یاد کنید. از مردمان کسانى هستند که مى‏گویند: پروردگارا، به ما در دنیا [از نعمتهاى خویش‏] بده. و او را در آخرت بهره‏اى نیست».

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾ [البقرة: 201].

«و کسانى از آنان هستند که مى‏گویند: پروردگارا، به ما در دنیا نیکى و در آخرت [هم‏] نیکى عطا کن و ما را از عذاب آتش [جهنّم‏] ایمن بدار».

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٢٠٢﴾ [البقرة: 202].

«اینان کسانى‌اند که از آنچه به دست آورده‏اند بهره‏اى دارند، و الله زود شمار است».

﴿۞وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوۡمَيۡنِ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۖ لِمَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٠٣﴾ [البقرة: 203].

«الله را در روزهایى معین [و معلوم/ ایام التشریق‏] یاد کنید، پس کسى که شتاب کند در دو روز [از ایام تشریق اعمال را انجام دهد] گناهى بر او نیست و کسى که تأخیر کند [و در سه روز انجام دهد] بر او [هم‏] گناهى نیست. [این حکم‏] براى کسى است که تقوى ورزد. و از الله بترسید و بدانید که شما نزد او برانگیخته مى‏شوید».

مکۀ مکرمه «بلد الأمین» در قرآن کریم:

ذکر مکۀ مکرمه این شهر مقدس وقبلۀ مؤمنین نیز در بعضی از آیات قرآن کریم آمده است:

﴿۞جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَۚ ذَٰلِكَ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٩٧﴾ [المائدة: 97].

«الله کعبه را که «بیت الحرام» است و ماه حرام و قربانى [بى‏نشان‏] و قربانى نشاندار را مایۀ قوام [سامان بخشیدن امور] مردم قرار داده است. این [شرح براى آن است‏] تا بدانید که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است مى‏داند و [تا بدانید] که الله به همه چیز داناست».

﴿وَطُورِ سِينِينَ ٢ وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ ٣﴾ [التین: 2-3].

«و سوگند به طور سینا و سوگند به این شهر امین(مکه)».

﴿لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ١ وَأَنتَ حِلُّۢ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٢﴾ [البلد: 1-2].

«به این شهر (مکۀ مبارکه) سوگند یاد مى‏کنم و تو به این شهر در خواهى آمد».

﴿إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلۡبَلۡدَةِ ٱلَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَيۡءٖۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٩١﴾ [النمل: 91].

«من تنها فرمان یافته‏ام که پروردگار این شهر (مکه) را که آن را حرمت بخشیده است، بندگى مى‏کنم- و همه چیز [در تصرف‏] اوست- و فرمان یافته‏ام که از مسلمانان باشم».

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ ٣٥﴾ [ابراهیم: 35].

«و چون ابراهیم فرمود: پروردگارا، این سرزمین (مکه) را امن [و امان‏] قرار ده و مرا و فرزندانم را از آنکه بتان را بندگى کنیم، دور بدار».

بیت الله و مسجد الحرام در قرآن کریم:

بنابر مقام ومنزلت عظیم بیت الله و مسجد الحرام در آیات متعددی از قرآن کریم ذکر آن‌ها بیان شده است:

﴿وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ١٢٥﴾ [البقرة: 125].

«و هنگامى که خانۀ [کعبه‏] را مرجع مردم و [حرم‏] امن قرار دادیم. و از «مقام ابراهیم» نمازگاه برگزینید. و وحى کردیم که خانه‏ام را براى طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان سجده گزار پاکیزه گردانید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَ‍َٔانُ قَوۡمٍ أَن صَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ أَن تَعۡتَدُواْۘ وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢﴾ [المائدة: 2].

«اى مؤمنان، حرمت شعائر الله و ماه حرام و قربانى [بى نشان‏] و قربانی‌هاى قلّاده‏دار (نشاندار) و آنان را که آهنگ بیت الحرام کرده‏اند که از پروردگارشان فضل و خشنودى مى‏جویند، مشکنید. و چون احرام گشودید، [مى‏توانید] شکار کنید. و دشمنى گروهى [از آن روى‏] که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، بر آنتان ندارد که از حدّ بگذرید. و بر نیکوکارى و پرهیزگارى با همدیگر همکارى کنید و بر گناه و ستم همکارى مکنید و از الله بترسید، بى گمان الله دارای کیفر سختی است».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ عَامِهِمۡ هَٰذَاۚ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦٓ إِن شَآءَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٢٨﴾ [التوبة: 28].

«اى مؤمنان، جز این نیست که مشرکان پلیدند، پس نباید بعد از امسالشان به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر از تنگدستى بیمناکید، الله اگر بخواهد شما را از فضل خویش، بى نیاز مى‏گرداند. بى گمان الله داناى فرزانه است».

﴿وَمَا لَهُمۡ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمۡ يَصُدُّونَ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَمَا كَانُوٓاْ أَوۡلِيَآءَهُۥٓۚ إِنۡ أَوۡلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٤﴾ [الأنفال: 34].

«و چرا الله آنان را عذاب نکند حال آنکه آنان [مردم را] از مسجد الحرام باز مى‏دارند، در حالى که سرپرست آنجا نیستند، سزاوار سرپرستی آنجا جز پرهیزگاران نیستند. ولى بیشترشان نمى‏دانند».

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٣﴾ [القریش: 3].

«پس باید که پروردگار این خانه (کعبه) را پرستش کنند».

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١﴾ [الإسراء: 1].

«پاک [و منزه‏] است ذاتی که شبى بنده‏اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصى‏اى که در پیرامونش برکت نهاده‏ایم، برد تا از نشانه‏هاى خود به او بنمایانیم، اوست که شنواى بیناست».

و در آیۀ دیگری می‌فرماید:

﴿قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ ١٤٤﴾ [البقرة: 144].

«ما گردانیدن رویت در آسمان را نیک مى‏بینیم، اینک تو را به قبله‏اى بر مى‏گردانیم که به آن خشنود شوى. پس رویت را به سوى مسجد الحرام برگردان و [اى مؤمنان شما نیز] هر کجا که بودید روی‌هایتان را به سوى آن برگردانید. و به یقین اهل کتاب مى‏دانند که این [تغییر قبله‏] حق است از جانب پروردگارشان. و الله از آنچه که مى‏کنند غافل نیست».

در سورۀ بقره می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٠﴾ [البقرة: 150].

«و از هر جا که بیرون آمدی روى خود را به سوى مسجد الحرام بگردان و [شما نیز اى مؤمنان‏] هر کجا که باشید رو به سوى آن بگردانید تا مردم را بر شما حجتی نباشد غیر از ستمکارانشان. پس از آنان مترسید و از من بترسید تا نعمتم را بر شما تمام کنم و تا که هدایت شوید».

برادران و خواهران مسلمان آنچه گذشت مختصری بود از ذکر مکۀ مکرمه و کعبۀ شریفه و مسجد الحرام در قرآن کریم و وجوب حج به سوی آن و همچنان بیان احکام و مناسک مربوط به آن، و شما می‌توانید به قرآن کریمی که در دسترس دارید مراجعه نمائید و من شهادت می‌دهم که ذکری از نجف و قم و مشهد و کربلاء و مزارشریف در آن یافت نمی‌شود. ونه آیتی در فضیلت زیارت قبری در آن آمده است.

نماز و مسجد در قرآن کریم:

همچنین دربارۀ مساجد و آداب و احکام آن وفضیلت رفتن به مسجد و نماز خواندن در آن آیات فراوانی در قرآن کریم آمده است:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ ٣٦ رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ ٣٧﴾ [النور: 36-37].

«درخانه‏هایى که الله اجازه داده است که رفعت یابند و نام او در آنجا یاد شود. او را صبح و شام در آنجا تسبیح مى‏گویند مردانى که هیچ تجارت و خرید و فروشى آنان را از یاد الله و بر پاى داشتن نماز و پرداخت زکات باز ندارد. از آن روزى مى‏ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن [روز] نگران شوند».

﴿۞يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١﴾ [الأعراف: 31].

«اى فرزندان آدم، در هر مسجد زینت خود را برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید. بى گمان الله اسراف کنندگان را دوست ندارد».

﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾ [الجن: 18].

«و آنکه مساجد خاصّ الله است. پس کسى دیگر را با الله [به نیایش‏] مخوانید».

﴿قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۚ كَمَا بَدَأَكُمۡ تَعُودُونَ ٢٩﴾ [الأعراف: 29].

«بگو: پروردگارم به عدل و داد فرمان داده است. و [فرموده است:] به هنگام هر نماز (از هر مسجدی) روی‌هایتان را [به سوى خانه کعبه‏] راست بدارید و او را در حالى که دین [و پرستش خود را] براى او خالص گردانیده‏اید، [به نیایش‏] بخوانید، چنان که نخستین بار شما را آفرید [باز هم‏] بر مى‏گردید».

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾ [البقرة: 43].

«و نماز بر پاى دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

و می‌فرماید:

﴿لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨﴾ [التوبة: 108].

«به راستى مسجدى که از روز نخست بر تقوى بنیان نهاده شده است سزاوارتر است که در آن بایستى. در آن مردانى هستند که دوست مى‏دارند که پاک شوند و الله پاک شوندگان را دوست مى‏دارد».

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١٤﴾ [البقرة: 114].

«و چه کسى ستمکارتر از کسى است که [مردم را] از مسجدهاى الله از [بیم‏] آنکه نام الله در آن‌ها یاد شود، باز دارد و در ویرانى آن‌ها بکوشد؟ این گروه را نسزد جز این که هراسان به مساجد در آیند. آنان در دنیا خفّت [و خوارى‏] و در آخرت عذابى بزرگ [در پیش‏] دارند».

﴿مَا كَانَ لِلۡمُشۡرِكِينَ أَن يَعۡمُرُواْ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلۡكُفۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ وَفِي ٱلنَّارِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ١٧﴾ [التوبة: 17].

«مشرکان را نرسد که مسجدهاى الله را در حالى که به زبان حال به کفر اعتراف مى‏کنند، آباد سازند. اینان کارهایشان بر باد رفته است و در آتش [جهنم‏] آنان جاودانه‏اند».

و دربارۀ ساختن مساجد می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمۡ يَخۡشَ إِلَّا ٱللَّهَۖ فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٨﴾ [التوبة: 18].

«فقط کسى مسجدهاى الله را آباد مى‏کند که به الله و روز قیامت ایمان آورده و نماز بر پاى داشته و زکات بپردازد و جز از الله نترسیده باشد، پس امید مى‏رود اینان از راه یافتگان باشند».

﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِ﴾ [البقرة: 187].

«و در حالى که در مسجدها معتکفید با همسرانتان آمیزش مکنید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩﴾ [الجمعة: 9].

«اى مؤمنان چون در روز جمعه براى نماز ندا داده شد، به [عبادت و] یاد الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید، این برایتان بهتر است».

و اللهأ شاهد است که در قرآن کریم ذکری از فضیلت نماز در کربلا و نجف و قبر علیس و قبور أئمهش و لو در یک آیت هم نیامده است.

نه قبری و نه زیارتگاهی در قرآن!

چنانکه ملاحظه نمودید در قرآن کریم ذکری از قبور و زیارتگاه‌ها و بارگاه‌ها و کربلا و نجف و مشهد و قم و مزارشریف و شاه دوشمشیره و تمیم انصار در کابل و غیره... نیامده است و همچنین اشاره‌ای به ساختن بارگاه و گنبد و زیارت و سفر به زیارتگاه‌ها و مقابر نشده است، پس هرگاه با قلب سالم و عقل و بینش صحیح به فضایل مکۀ معظمه و کعبۀ مشرفه و مساجد در قرآن کریم، و از جانب دیگر آن همه روایات جعلی و ساختگی شیعه را در فضایل مقابر أئمه و زیارتگاه‌ها و شهرهای کربلا و نجف و قم و غیره که در قرآن کریم ذکری از آن‌ها نیست بنگریم برای هر عاقلی دروغ و جعلی بودن آن روایات ساختگی شیعه و بطلان فتاوای باطل علمای آن‌ها آشکار می‌شود که در فضیلت فلان زیارت وامام وامامزاده ساخته و بافته‌اند. و اگر این‌ها راست می‌گویند پس العیاذ بالله پروردگارأ فراموش نموده که آن را در کتاب کریم خود ذکر نماید؟!!

﴿وَيَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۚ وَٱلۡكَٰفِرُونَ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞ ٢٦﴾ [الشوری: 26].

«آیا آنان شریکانى (غیر از الله) دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که الله به آن اجازه نداده است، و اگر وعدۀ فیصله بخش [مهلت‏] نمى‏بود. بین آنان داورى مى‏شد و بى‏گمان ستمکاران عذابى دردناک [در پیش‏] دارند».

پیروی از متشابه

و اگر با یکی از علمای شیعه و کسانی که شیفتۀ قبر و زیارت‌اند، در مورد این زیارتگاه‌ها و بناهای مجلل که بر روی قبرها ساخته‌اند و مظاهر شرک و بت پرستی که در کنار آن‌ها انجام می‌گیرد به بحث بنشینید و از آن‌ها دلیل و برهان از قرآن طلب نمائید غیر از این آیه دلیل دیگری ندارند:

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِمۡ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم مَّسۡجِدٗا ٢١﴾ [الکهف: 21].

«و گفتند کسانى که بر کارشان غلبه یافتند: بر آن‌ها سجده گاهى مى‏سازیم».

(و غیر از این دلیل متشابه که به سبب کژی و مرضی که در قلب‌هایشان دارند و به اطاعت از هوی و هوس از آن پیروی نموده‌اند دلیل و حجت دیگری ندارند درحالیکه برای اثبات این مدعای خود باید دلیل صریح از قرآن وسنت داشته باشند که الحمدلله ندارند.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦ﴾ [آل عمران: 7].

«پس امّا آنان که در دل کژى دارند براى فتنه جویى و طلب تأویلش از آنچه از آن که متشابه است، پیروى مى‏کنند».

بررسی دلایل آن‌ها از آیۀ 21 سورۀ کهف

این آیت را علمای شیعه به عنوان بزرگترین دلیل در اثبات جواز زیارت قبرها و ساختن گنبد و بارگاه مطرح می‌نمایند که ما اکنون به بحث و بررسی این آیت می‌پردازیم.

پس از دقت در معانی این آیۀ کریمه برای عاقلان هویدا می‌گردد که حتی ظاهر آیت21 سورۀ کهف نیز دلالت به غیر آنچه شیعه استدلال می‌کنند دارد، توجه فرمائید:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ لِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيۡبَ فِيهَآ إِذۡ يَتَنَٰزَعُونَ بَيۡنَهُمۡ أَمۡرَهُمۡۖ فَقَالُواْ ٱبۡنُواْ عَلَيۡهِم بُنۡيَٰنٗاۖ رَّبُّهُمۡ أَعۡلَمُ بِهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِمۡ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم مَّسۡجِدٗا ٢١﴾ [الکهف: 21].

«و بدینسان [مردم را] به [حال‏] آنان آگاه ساختیم تا بدانند که وعدۀ الله حقّ است و آنکه هیچ شکى در قیامت نیست. هنگامى که [مردم دربارۀ‏] کارشان منازعه مى‏کردند. و گفتند: بر [غار] آنان بنایى بسازید. پروردگارشان به [حال‏] آنان داناتر است و گفتندکسانى که بر کارشان غلبه یافتند: بر [غار] آن‌ها سجده گاهى مى‏سازیم».

اولاً قضیه ساختن مسجد بر قبر آن‌ها نظر کسانی بود که ﴿غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِمۡ﴾ «کسانى که بر کارشان غلبه یافتند» یعنی بر قوم و امراء خود، پس آن‌ها هرگز نمی‌توانند مصدر حکم و شریعت شوند و عادتاً اینگونه انسان‌ها مستبد و (جاهل) می‌باشند و از لهجۀ آن‌ها استبداد و طغیان و جهل هویدا است.... آن‌ها گفتند: ﴿لَنَتَّخِذَنَّ﴾ یعنی «می‌سازیم» یا «می‌گیریم» و این امری است به ظاهر مؤکد که باید اجراء شود و به رای دیگران توجه نشده و برای آن‌ها اعتباری قائل نمی‌باشند که اینگونه انسان‌ها نمی‌توانند الگو و نمونه باشد.

(گذشته از این پیامبر اکرمص و علیس ودیگر صحابهش و تابعین و صالحین امت نیز این آیه را می‌‌دانستند، ولی چرا چیزی که این‌ها می‌گویند از آیه استنباط نکردند؟ و مطابق میل این‌ها عمل نفرمودند؟ و براى کسی ضریح و بارگاه نساختند و مردم را به ساختن گنبد و مقبره و ضریح امر نفرمودند؟ حتی برخی از بزرگان اسلام را مخفیانه به خاک سپردند تا مبادا قبرشان مزار شود، همچنین از تعمیر و تزیین قبور نهی می‌فرموده‌اند.

ثانیاً در آیه لفظ «مسجد» آمده و نفرموده: «لنتخذن عليهم قبة وضريحاً ومزاراً»!! با وجود اینکه ساختن مسجد هم در کنار قبر ناجایز است و لیکن، آیا این همه مقبره و گنبد و بارگاه در ایران و عراق و افغانستان و پاکستان و سایر کشور ها که بر قبور ائمه و حتی فرزندان و نوادگان آنان و صالحین وطالحین ساخته شده است و تعدادی از آن‌ها در مکان‌های دورافتاده و صعب‌ العبور قرار دارد و مردم برای زیارتشان رنج سفر را به جان می‌خرند، مسجد است یا زیارتگاه؟ یا مسجد چیز دیگری است؟ آیا ضریح و بارگاه امام رضا/ در مشهد ومعصومه در قم وحسینس در کربلا و سخی جان در مزارشریف وشاه دوشمشیره وتمیم انصاری در کابل و خواجه عبدالله انصاری در هرات و زیارت امام صاحب وپیر صاحب و بی بی صاحب و غیره.... مسجد است؟)[[5]](#footnote-5).

جواب مختصر و مفید برای کسانی که به دنبال حق می‌باشند، این است که دین و احکام امت های گذشته هرگز نمی‌تواند برای مسلمانان مصدر حکم وشریعت قرار گیرد، زیرا اسلام ناسخ ادیان ما قبل خود می‌باشد و خیلی از احکامی که برای امت‌های گذشته جزو دین و آیین آن‌ها بود برای مسلمانان ممنوع گردید و یا برای آن‌ها ممنوع بود و برای امت اسلام جایز گردید، وانگهی طوری که گفتیم غیر از این آیت آیۀ دیگری در قرآن وجود ندارد که علمای شیعه به آن استدلال نمایند، و این کار آن‌ها مانند عمل منحرفانی است که با حقه بازی و فریب مردم دین و مذهب اختراع می‌کنند و بعد از آن به سوی قرآن آمده و به دنبال متشابهات می‌گردند تا به وسیلۀ قرآن باطل خود را به اثبات برسانند درحالیکه ما باید رای و عقل خود را در خدمت قرآن قرار دهیم نه اینکه قرآن را در خدمت رای و عقل خود قرار داده و بر اساس هوی و هوس خود آن را تعبیر و تفسیر نمائیم. غافل از اینکه:

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفۡلَىٰۗ وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٤٠﴾ [التوبة: 40].

«وکلمۀ کافران (شرک) را فروتر قرار داد و کلمۀ الهى (توحید) است که برتر است و الله پیروزمند فرزانه است».

احکام زیارت در کجای قرآن است؟

در قرآن کریم امر و نهی دربارۀ زیارت قبور نیامده است و همچنین در قرآن کریم حتی یک آیت در بارۀ احکام و روش و فضیلت زیارت قبور نیامده است، و این مخالف روش قرآن کریم می‌باشد که مسأله ای به این بزرگی که شیعه برای آن صدها روایت و فضل و حکم تراشیده، و ادعا می‌کنند از جملۀ بزرگترین عبادات می‌باشد، ذکری از آن به میان نیاید در حالیکه به کوچکترین مسائل شرعی در قرآن کریم توجه صورت گرفته و حتماً بعضی موضوعات متعلق به آن بیان شده که می‌توان به مسائلی از قبیل حیض و نفاس و غسل و خرید و فروش و غیره اشاره کرد. پس چرا زیارت قبور از این قاعده مستثنی شده است؟!!!

چگونه الله ذوالجلال بنابر ادعای شیعه، به زیارت قبور امر نموده! ولی ذکری از احکام آن در قرآن نیامده است؟!!

و سؤال مهم و جالب اینکه برای همۀ اصول عملی و یا اعتقادی شیعه مانند زیارت، خمس، متعه «صیغه» و امام و امامت، عصمت و معصومیت و بداء و رجعت ذکری در کتاب الله نیامده است و آنچه که علمای آن‌ها به آن استدلال می‌کنند خالی از دو حالت نمی‌باشد یا وهم و گمان و تفسیر باطنی آن‌ها است و یا تلبیس ابلیس عليه اللعنة می‌باشد.

وسیله و بهانۀ حب اهل بیت**ش**

شیعه حب اهل بیت را بهانه و ذریعه ای برای زیارت قبور آن‌ها و انجام اعمال شرک آمیز قرار داده‌اند و در این شکی نیست که بسیاری از عوام شیعه به سبب حب و عاطفه ای که در دل نسبت به اهل بیتش دارند به زیارت قبور آن‌ها می‌روند و معتقدند که این عمل آن‌ها تعبیری صحیح از حب آن‌ها به اهل بیتش است و این عمل آن‌ها را به اللهأ نزدیک ساخته و سبب حصول خیر و برکت فراوان برای آن‌ها می‌شود و اجر و پاداش عظیم نصیب آن‌ها می‌گردد!!.

در اینجا سؤال مهمی مطرح می‌شود و آن اینکه هدف از محبت اهل بیت چیست؟

آیا می‌خواهید که طرف مقابل نیز شما را دوست بدارند همانطور که شما آن‌ها را دوست می‌دارید؟ ویا فقط هدف شما محبت یکجانبه به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؟

یا هدفی بالاتر از این هم وجود دارد و آن اینکه اهل بیت هم شما را دوست بدارند؟ و چه زیباست که محبت دوطرفه باشد و به سبب این محبت متبادل الله ذوالجلال نیز ما و شما را دوست بدارد.

بدون شک جواب هر مسلمان عاقل و مؤمن این خواهد بود که هدف اصلی ما محبت اللهأ و سپس محبت متبادل با اهل بیت علیهم السلام می‌باشد چنانکه در قرآن کریم فرموده است: ﴿يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُ﴾ [المائدة:54].

«آنان را دوست مى‏دارد و [آنان نیز] او را دوست مى‏دارند».

و محبت ذات اقدس الهی وقتی حاصل می‌شود که دیگران را نیز فقط به خاطر او تعالی دوست بداریم و ثانیاً محبت ما نسبت به غیر الله مقید به شریعتی باشد که بر رسول اللهص نازل گردیده است و هر محبتی که بر خواسته از عواطف و احساسات و بدون درنظر گرفتن رضای باری تعالی باشد پوچ و بی معنی بوده و مورد قبول درگاه حق نمی‌گردد.

نخستین نشانۀ اینگونه محبت های احمقانه و جاهلانه خارج بودن و خارج شدن از قیود شریعت و احکام الهی می‌باشد. و به جرأت می‌توان گفت که اینگونه محبت ها، عاطفی و بدور از حقیقت است و این در حالتی است که شخص، کسی را به خاطر حاجتی که در نفس خود احساس می‌کند و به خاطر هوای و هوسش دوست می‌دارد، مانند نصارا (مسیحی ها) که ادعای دوستی سیدنا عیسی÷ را می‌کنند ولی در حقیقت آن‌ها نفس خود را می‌پرستند و دوست می‌دارند زیرا از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند، مگر همین نصارا (مسیحیان) نبودند که از پیامبر بزرگ الهی عیسی÷ که رسول و بندۀ اللهأ می‌باشد، خدای ساختگی درست کردند و گاهی هم به او نسبت پسر خدا را دادند!! ﴿سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ١٠٠﴾ «او تعالى پاک و از آنچه وصف مى‏کنند، بسى برتر است».

و در همۀ این اعمال کفری، آیا از انجیل و عیسی÷ پیروی نمودند؟ یا از شیطان و هوای نفس خودشان؟ چنانکه اللهأ می‌فرماید:

﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٣﴾ [الجاثیة: 23].

«آیا دیده‏اى کسى را که خواسته [هاى نفسانى‏] اش را معبود خود گرفت و الله با وجود دانش او را گمراه ساخته و بر گوش و دل او مهر نهاد و بر دیده‏اش پرده قرار داد؟ پس چه کسى پس از الله او را هدایت کند؟ آیا پند نمى‏گیرید؟».

بهمین دلیل کسانی که از هوی و هوس پیروی می‌نمایند مقید به پیروی اللهأ و رسول اللهص نیستند و از شریعت الهی و سنت نبوی فرمانبرداری نمی‌کنند و خود را مقید به قوانین شریعت نمی‌دانند ولوکه در آن رضایت باری تعالی باشد. واین نکته همان سر عدم قبولی اینگونه محبت ها می‌باشد. زیرا اللهأ بیان می‌دارد که آن‌ها در ادعای خود دروغ گفته‌اند و اگر در آنچه می‌گویند صادق می‌بودند از الله و رسول وی پیروی می‌کردند و خود را مقید به شریعت اسلام می‌دانستند، شریعتی که توسط کتاب الله و سنت رسول اللهص برای مسلمانان وضع شده است.

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل عمران: 31].

«بگو: اگر الله را دوست مى‏دارید، از من پیروى کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیامرزد و الله آمرزندۀ مهربان است».

﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢﴾ [آل‌عمران: 31].

«بگو: از الله و رسول [او] فرمان برید. و اگر روى گردانند [بدانند که‏] الله کافران را دوست ندارد».

پس سخن کوتاه اینکه هر انسانی که ادعای محبت اللهأ و رسولص و اهل بیت و صحابهش را نماید و سپس از آن‌ها پیروی نکند در گفتار خود دروغگو می‌باشد و تا هنگامی که خود را مطابق دستورات الهی آماده نسازد، در حبی که ادعا نموده صادق نیست زیرا شرط این است که: ﴿فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ﴾ «از من پیروى کنید تا الله شما را دوست بدارد».

پس در محبت پیروی شرط اساسی و اهم می‌باشد.

نفس پرستی (خود پرستی)

در مبحث قبلی گفتیم که، کسانی که امروز با انجام اعمال خلاف شرع ادعای محبت اهل بیتش می‌کنند در حقیقت اللهأ و رسولشص و اهل بیتش را دوست ندارند بلکه نفس خود را دوست دارند، زیرا آن‌ها برای خود دین و طریقه ای بنابر هوی و هوس و خواهشات خویش آماده نموده و سپس آن را به اهل بیتش نسبت داده‌اند، مگر اللهأ در بارۀ همین صنف از منتسبین به اسلام و اهل بدعت و کفار نفرموده است که:

﴿وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ٤٥﴾ [الزمر: 54].

«و چون الله به تنهایى یاد شود، کسانى که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان می‌گیرد و متنفّر مى‏شود و چون کسانى جز او یاد شوند، آن گاه است که آنان شاد و خوشحال مى‏شوند».

(بطور مثال اگر صد مرتبه به آن‌ها بگویید به خدا قسم و یا والله.. باور نمی‌کنند اما اگر یک مرتبه به علی و یا حسین و یا عباس و یا ابوالفضل ویا فاطمهش و یا سخی جان و یا به پیر و امامشان قسم یاد کنید فورا می‌پذیرنند و باور می‌کنند.)

این انسان‌های بیچاره و بدبخت همانگونه که از محبت ذات اقدس الهی محرومند، از محبت اولیاء الله و اهل بیتش نیز محرومند، و هیچ پیوندی با ایشان ندارند، آیا می‌شود به کسی که از اهل بیت پیروی نکند و مطابعت ایشان را ننماید دوستدار اهل بیت گفت؟ چگونه می‌شود بین این‌ها و اهل بیتش و اولیاءالله پیوند و علاقه ایجاد کرد در حالیکه نافرمانی آن‌ها را نموده و خلاف دستورات آن‌ها عمل می‌کنند؟

اللهأ می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۗ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٨﴾ [آل عمران: 68].

«نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانى‏اند که از او پیروى کردند و این پیامبر و کسانى که ایمان آورده‏اند. و الله کار ساز مؤمنان است».

(جای بسی تعجب است که در کتب معتبر شیعه ده‌ها روایت از رسول اللهص وائمۀ اهل بیتش وجود دارد که به صراحت مسلمانان را از قبرپرستی و ساختن گنبد وبارگاه و زیارتگاه‌ها منع فرموده‌اند، که ما بعضی از آن‌ها را برای نمونه ذکر می‌نماییم:

در کتاب (من لا یحضره الفقیه) و (وسایل الشیعه) از ‌جعفر صادق/ چنین نقل شده ‌است‌:

«پیامبرص از اینکه بر قبری نماز بگزارند، یا بر آن بنشینند و یا بر آن ‌بنا و ضریح ‌بسازند، نهی‌فرموده ‌است و یهود و نصارا را لعنت نموده‌اند که قبور انبیاء را مسجد ساختند».

و در فروع الکافی 3/228، من لايحضره الفقيه 821، وسايل الشيعة 2/887. از سماعة ابن مهران روایت است که گفت: دربارۀ زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از جعفر صادق/ پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در کنار قبر مسجد ساخته نشود.

و همچنین در (من لا يحضره الفقيه) از جعفر صادق/: روایت است که می‌فرماید:

«هر چیزى که غیر از خاک خود قبر بر روى قبر گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینى می کند».

و در (فروع الکافی 3/202، وسائل الشيعة 2/864) از جعفرصادق/: روایت است که رسول الله ص فرموده‌اند:

«جز خاکى که از خود قبر بیرون آورده شده خاک دیگرى بر آن ریخته نشود».

در (من لا يحضره الفقيه 1/135، وسائل الشيعة 2/868) از امیرالمؤمنین علیس روایت است که فرموده‌اند: «کسی که قبری را باز سازی کند یا تمثالی بسازد یقیناً و بدون شک از اسلام خارج شده است».

و در (وسائل الشيعة 2/869، 3/62) از جعفرصادق/ روایت است که امیرالمؤمنین علیس فرمود: «رسول اللهص مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هر عکسى را دیدى نابود کن، و هر قبرى را دیدى هموارش کن».

و در (الاستبصار 1/217، وسائل الشيعة 2/869) از علی بن جعفر/ روایت است که از موسى کاظم/: پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن جایز است؟ فرمود:

«ساختن قبر و نشستن بر آن و گچ کردن و گل کردن آن جایز نیست».

امّا کسانی که ادعای محبت اهل بیتش را دارند در قدم اول با کسانی مخالفت می‌کنند که آن‌ها را امامان خود و ائمۀ اهل بیت می‌دانند[[6]](#footnote-6).)

مسلمانان باید بدانند که محبتِ بدون اطاعت وپیروی هرگز راه نجات نیست زیرا مشرکین زمان رسول اللهص نیز ادعای محبت ابراهیم÷ را می‌کردند و همچنان نصارا ادعای محبت عیسی÷ را داشتند و یهود نیز خود را محبین موسی و هارون علیهما السلام می‌دانستند اما وقتی که لحظۀ امتحان فرا رسید همه، بجز اندکی ناکام شدند و دروغشان آشکار شد زیرا در آنچه ادعا می‌کردند صادق نبودند. پس دانستیم که محبت ما مهم نیست بلکه مهم آنست که به سبب محبت صادقانۀ ما اللهأ ما را دوست بدارد و اللهأ کسی را دوست نمی‌دارد مگر آنکه ملتزم به شریعت الهی و پایبند به قوانین ربانی باشد.

بدعتی جدید

زیارت قبر به شکلی که امروزه در میان بعضی از مسلمانان و در نزد شیعیان رواج دارد کلاً خارج از شریعت محمد مصطفیص می‌باشد عمل آنها، پائین ترین آن بدعت و بالاترین آن شرک اکبر می‌باشد و آن‌ها بین این دو معصیت سرگردانند، بین بدعت در دین و شرک به رب العالمین.

این سخن اشاره ایست کوتاه، تا برعاقلان آشکار گردد که چگونه زیارتی که امروزه بر قبور ائمه توسط شیعه انجام می‌گیرد خارج از شریعت محمد مصطفیص می‌باشد.

نخست باید گفت که دین الله در زمانی که رسول اللهص زنده بودند کامل شده است و هر مسلمان واقعی یقین کامل دارد که همۀ شعایر دینی در زمان زندگی رسول اللهص به پایۀ کمال رسیده و چیزی از امور دین باقی نمانده مگر اینکه ایشانص آن را به امت رساندند و اللهأ نیز بر این اکمال مهر تأکید نهاد که:

﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ﴾ [المائدة: 3].

«امروز دینتان را براى شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان‏] دین براى شما پسندیدم».

پس هر عبادتی که بعد از وفات رسول اللهص به وجود آید بدعت و باطل می‌باشد و چنانکه ذکر شد و همه می‌دانند این همه مراقد و زیارتگاه‌ها و آداب زیارتی که امروز معمول است، در زمان رسولص و حتی در زمان أئمه اهل بیتش نبوده است بلکه صدها سال بعد از ایشان به وجود آمده است.

و زیارت زیارتگاه‌ها و ساختن قبر و بارگاه برای هیچ یک از اهل بیت و صحابهش و تابعین ثابت نیست و آنچه در این مورد ساخته و بافته شده و به آن‌ها نسبت داده شده بجز افتراء و دروغ چیزی نمی‌باشد. زیرا چگونه می‌توان باور کرد که اولاد رسول اللهص و اهل بیت مکرم ایشان که دعوتگران حق بودند، به راه غیر اللهأ بروند و نافرمانی رسول اللهص را بکنند!؟

حقیقت آنست که نخستین کسانی که تعظیم قبور و ساختن بارگاه ها را رواج دادند آل بویه (از فارس «ایران») بودند که بعد از اشغال بغداد در قرن 4 هجری این بدعت را پایه گذاری نمودند و بعد از آن‌ها نیز فاطمی ها و بالآخره صفوی ها به نقش قدم آن‌ها رفته و طقوس و راه و روش و فرهنگ مجوسیت را با کفریات تحریف شدۀ مسحیت که از شرق اروپا وارد کرده بودند رنگ و بوی اسلامی داده و به نام محبت اهل بیت در دل مردم عوام جا دادند[[7]](#footnote-7).

وجالب است بدانید که هر آنچه از بدعت و کفر و شرک در ادیان قبل از اسلام وجود دارد بعد از وفات پیامبرانشان روی داده است. بطور مثال اگر عیسی÷ امروز به میان نصارا برگردد و این همه کفر و شرک را در کلیساهای نصارا (مسیحی ها) ببیند، آیا باور می‌کند که این‌ها همان پیروان انجیل‌اند که بر او نازل شده بود!؟ آیا عیسی÷ پرستش صلیب را دیده بود؟ آیا طوری که مسیحیان ادعا می‌کنند به صلیب کشیده شده بود؟

هرگز!

همچنین آیا حسینس این همه زیارت و مرقد و بارگاه را دیده بود؟ آیا به زیارت و طواف قبری رفته بود؟ آیا در مناسبت های مختلف مانند عاشورا و صفر وشعبان ورجب و ربیع الأول به سر وصورت خود زده بود؟ آیا به خاطر شهادت پدرش علیس و وفات جدش رسول اللهص عزاداری و سینه زنی و زنجیرزنی کرده بود؟ آیا بر سر قبر پدر و جد ومادرش گنبدی و زیارتی ساخته بود؟ آیا یاران خود را به زیارت آن‌ها دعوت نموده بود؟ آیا پیامبرص بر سر قبر پدر و مادر و یا کاکایشان (عمویشان) سید الشهدا حمزهس و یا دیگر اصحابشانش گنبد و قبه و زیارتی ساختند؟ آیا به طواف آن‌ها رفتند؟ آیا بر سر قبر همسر مهربانشان خدیجهل گنبد و بارگاهی ساخته و به زیارت آن رفتند؟ آیا قبر فرزندانشان قاسم وعبدالله و ابراهیم و رقیه و زینب و ام کلثومش را زیارتگاه و محل نذر و نیاز ساختند؟

هرگز! وهرگز! رسول اللهص این اعمال را انجام نداده‌اند.

آیا علی و حسن و حسین و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و موسی کاظم و دیگرانش این اعمال را انجام داده بودند؟

پس این همه قبر و زیارت چرا بعد از ایشان ساخته شد؟

شاید کسی بگوید این امری است مستحب و ما اهل بیت را دوست داریم و این اعمال ما به سبب محبت به آن‌ها است!! به آن‌ها می‌گوییم که آیا نصاری (مسیحیان) بجز محبت عیسی÷ با چیز دیگری تباه شدند؟ محبتی که با آن عیسی÷ را از مقام بندگی به مقام خدائی کشاندند و از قیود عقل وشرع خارج شده به دام کفر و شرک گرفتار گشتند. اینگونه اعمال محبت نه بلکه جهالت وحماقت است.

(امام شافعی/ شعر جالبی دارد که می‌فرماید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تعصي الإلهَ وأنتَ تظهرُ حُبَّه |  | هذا محالٌ في القياسِ بديعُ |
| لوكان حبُّكَ صادقاً لأطعَتهُ |  | إِن المحبَّ لمن يُحِبُّ مطيعُ |

نـافرمانی الله را می‌کنی و تظاهر به محبـش داری

این کار در قیاس انسان دانا قطعاً محال است

اگر محبت تو راست می‌بود حتماً از او اطاعت می‌کردی

زیرا که مُحِب از کسی که با او مُحَبت دارد فرمانبرداری می‌کند)

زیارت شرعی و زیارت غیر شرعی

در شروع این رساله گفتیم که زیارت قبور در شروع اسلام ممنوع و سپس رسول اللهص به آن اجازه دادند، هنگامی که فرمودند:

«نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا». [صحیح مسلم 2305]

«شما را از زیارت قبرها منع کرده بودم اکنون آن‌ها را زیارت نمائید».

ودر روایت دیگری آمده است: که پیامبرص فرمودند:

(إني نهيتکم عن زيارة القبور فزوروها فإن فيها عبرة، ولاتقولوا ما يسخط الرب)[[8]](#footnote-8).

«من قبلاً شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم ولی الان می‌گویم: به زیارت قبور بروید چون در آن عبرت است و چیزی نگویید که خشم الله را برانگیزد.»

وسبب این نهی سپس اجازه دادن رسول اللهص این بود که با علم و معرفتی که اللهأ نصیبشان کرده بود خواستند که این مرض را بکلی از جامعه نابود کرده وآنرا از قلب اصحاب کرامش نیز دور کنند.

نخست تعلقی را که نسبت به قبور در دل مردم بود را با نهی کلی دور ساختند و بعد از ریشه کن شدن همۀ انواع مظاهر شرکی که در جامعۀ قبل از اسلام وجود داشت و پاک شدن قلوب مسلمین از محبت و تعلق به قبور، دوباره با تقید و پایبندی به آداب و طرق شرعی آن را اجازه دادند و بر دوری از شرک و بدعت و رسومات جاهلی تأکید ورزیدند.

رسول اللهص به زیارت قبرستان می‌رفتند به مرده ها سلام می‌کردند و در حق آن‌ها دعا می‌نمودند چنانکه در حدیث شریف آمده است:

«عَنْ عَائِشَةَل أَنَّهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِص كُلَّمَا كَانَ لَيْلَتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِص يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ إِلَى الْبَقِيعِ فَيَقُولُ: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لاَحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرْقَدِ» [صحیح مسلم].

«از أم المؤمنین عایشۀ صدیقهل روایت شده که فرموده‌اند: رسول اللهص هرگاه نوبت ایشان می‌بود در آخر شب به قبرستان بقیع می‌رفتند و می‌فرمودند: ای جمع مؤمنان سلام بر شما، آنچه به شما وعده داده شد نزد شما آمد، و تا فردایی مهلت داده شده و ما ان‌شاء الله به شما ملحق خواهیم شد الهی اهل بقیع غرقد را بیامرز».

و این همان زیارت شرعی است که از رسول اللهص ثابت شده است.

ما به زیارت قبر می‌رویم و به اهل قبرستان سلام می‌دهیم برایشان دعا می‌کنیم ولی از آن‌ها چیزی نمی‌خواهیم و در آنجا به یاد آخرت می‌افتیم.

پس در زیارت قبور سه مسأله وجود دارد:

1. سلام به مرده‌ها.
2. دعا برای آن‌ها.
3. به یاد آخرت افتادن.

و هر آنچه غیر از این‌ها انجام گیرد شرک و بدعت و خارج از شریعت محمدص می‌باشد.

اموری که انجام دادن آن‌ها ممنوع و در شریعت اسلام حرام است مختصراً از قرار ذیل می‌باشد:

1. سفر به قصد زیارت قبر.
2. اعتقاد به اینکه زیارت قبری از قبر دیگری فرق دارد و برای فلان قبری فضیلت خاصی است.
3. گنبد و بارگاه ساختن بر قبور.
4. به دعا خواستن مرده و گریه و زاری نزد آن‌ها.
5. استغاثه و نذر کردن برای آن‌ها.
6. طواف به گرد قبر.
7. نماز خواندن بر قبرها و یا در کنار قبرها.
8. خواندن زیارتنامه
9. بستن نخ ویا پارچه ای بر قبر و یا پنجره های زیارت
10. بوسیدن در و دیوار قبر و لمس نمودن آن‌ها و دیگر خزعبلات و خرافاتی که ذکر آن این رساله را طولانی میکند، همه بدعت وشرک اکبر به حساب می‌رود که از شر آن به اللهأ پناه می‌بریم.

(اللهأ می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِۖ ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤﴾ [الأحقاف: 4].

«بگو: آیا دقّت ‌کرده‌اید دربارۀ‌ چیزی ‌که‌ به ‌جز الله به ‌فریاد می‌خوانید (و عبادت‌ می‌کنید)؟ به‌ من ‌نشان‌دهید، چه‌ چیزی ‌از زمین ‌را خلق ‌کرده‌اند؟ یا اصلاً در (خلقت ‌و گردش ‌و چرخش‌) آسمان‌ها مشارکتی داشته‌اند؟ کتابی ‌پیش ‌از این‌ (قرآن‌) یا یک ‌اثر علمی‌ برای ‌من ‌بیاورید اگر راست می‌گویید»!.

مالک‌، تنها او تعالی است و تمام چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند، ملک اویند و قبر و زیارت نفع و ضرری به کس نمی‌رسانند:

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٨٩﴾ [آل عمران: 189].

«پادشاهی آسمان‌ها وزمین فقط از الله است و الله بر همه چیز توانا است».

او تعالی در رزق و روزی دادن ‌شریکی‌ندارد، و رازق‌همۀ‌موجودات‌است‌:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٣﴾ [فاطر: 3].

«ای‌مردم‌! نعمتی ‌را که‌ الله به‌ شما عطا فرموده‌، یادآور شوید. آیا جز اللّه‌، خالق‌دیگری‌وجود دارد که‌شما را از آسمان‌و زمین‌روزی‌برساند؟ جز او الهی ‌وجود ندارد. پس‌با این‌حال‌، چگونه‌منحرف‌و گمراه‌می‌شوید»؟!

غیر از او تعالی، ربّ، ولی و حاکم‌دیگری‌وجود ندارد:

﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيّٗا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَهُوَ يُطۡعِمُ وَلَا يُطۡعَمُۗ قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَسۡلَمَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٤﴾ [الأنعام: 14].

«بگو! آیا غیر از الله را سرپرست‌و یاور خود برگیرم‌، در حالی‌که او آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین‌است‌ واو رزق می‌دهد و رزق داده نمی‌شود بگو به من امر کرده شده است که نخستین مسلمان باشم و فرموده شد به من که نباش از جملۀ مشرکین».

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٧٤﴾ [النحل: 74].

«الله می‌داند و شما نمی‌دانید».

تنها اوست که‌ می‌میراند و زنده‌ می‌گرداند و قبر و زیارت دخالتی در آن ندارند:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ ثُمَّ رَزَقَكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۖ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفۡعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيۡءٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٤٠﴾ [الروم: 40].

«الله ذاتی ‌است که شما را آفریده‌، سپس‌ به شما روزی بخشیده است‌. بعد شما را می‌میراند و سپس ‌دوباره ‌زندۀتان‌ می‌گرداند. آیا در میان‌ شرکاء و معبودانتان ‌کسی ‌هست‌ که‌ چیزی ‌از این‌ کارها را انجام دهد؟ الله دورتر و برتر از این ‌است‌ که ‌برایش ‌شریک ‌قائل ‌شوند».

هیچ‌کس‌جز اللهأ، دعاها و فریادها را نمی‌شنود و اجابت‌نمی‌کند حتی امام و ولی!:

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾ [النمل: 62].

«نه بلکه می‌پرسیم کیست ‌که ‌به‌فریاد مضطرّ و درمانده‌ می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف‌ می‌کند، هر گاه ‌او را به‌ کمک ‌بطلبد، و شما (انسان‌ها) را جانشین در ‌زمین ‌می‌سازد؟ آیا معبود دیگری‌ با الله است؟ واقعاً شما بسیار کم پند می‌گیرید»!.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٣٠﴾ [لقمان: 30].

«این بدین خاطر است که فقط الله حق است و هر آنچه که غیر از او می‌خوانند، باطل هستند و تنها الله بلند مرتبه و بزرگوار است».

پناه‌دهنده فقط الله است‌ نه قبر و زیارت:

﴿قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ٨٩﴾ [المؤمنون: 88-89].

«بگو: چه ‌کسی‌ پادشاهی ‌همه‌چیز را در دست‌دارد و او ‌(به‌همه‌) پناه‌دهد و کسی‌را (هم‌نمی‌توان‌) از (عذاب‌) او پناه‌داد، اگر فهمیده و آگاهید؟ خواهند گفت‌: فقط از آنِ الله است‌ پس چگونه فریب می‌خورید و سحر می‌شوید ودستخوش افسون شیطان می‌گردید».

اما با وجود این همه دلایل روشن و آشکار از قرآن کریم وسنت رسول اکرمص باز هم عده ای به سوی قبر پرستی و طلب کمک نمودن از مرده ها و زیارتگاه‌ها مشغولند نه دلیل وبرهان را قبول می‌کنند و نه گوش شنوایی برای شنیدن سخن حق دارند

جالب است بدانید که رسول اللهص پیشبینی نموده بودند که عده‌ای از این امت گمراه شده، از شیطان پیروی نموده بت‌ها را خواهند پرستید. چنانکه دیدیم بسیاری از تازه مسلمان‌ها بعد از وفات رسول اللهص مرتد شدند و به عبادت شیطان روی آوردند. و عبادت شیطان یعنی حرف شنوی از او و روی گردانی از دین اللهأ، چنانکه می‌فرماید:

﴿۞أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٠﴾ [یس: 60].

«آیا حکم نفرستاده بودیم بسوی شما ای اولاد آدم که مپرستید شیطان را که وی دشمن آشکار شماست».

پیروی از شیطان و از دستوراتش یعنی، شرک ورزیدن به اللهأ و ترک ایمان و ارتکاب گناه که این‌ها همه جزو عبادت شیطان محسوب می‌شوند.)

پس به این نتیجه می‌رسیم که زیارت قبور که امروزه بر اساس مذهب شیعه و دیگر فرقه ها و افراد گمراه انجام می‌گیرد باطلِ آشکار و بدعتی گمراه کننده می‌باشد زیرا هیچگونه اصلی در شریعت وحتی در اصول معتقدات مذهب خودشان هم ندارد و همچنین در قرآن کریم و سنت نبویص نیز یافت نمی‌شود.

در پایان دعا می‌کنیم که:

بارالها! امت اسلامى ما را از تمام موانع توحید دور بگردان و اطاعت و محبت و ایمان کامل به اللهأ و پیروی و محبت رسول اکرمص و اهل بیت و صحابۀ کرامش را نصیبمان نما، و دل‌هایمان را از تمام کدورت‌ها و شرک و بدعت‌ها و بغض‌ها و عداوت‌ها و زنگارهایى که چه بسا مانع رسیدن به الله گردیده پاک گردان، و امت اسلامی را بوسیلۀ پیروی از قرآن کریم و سنت رسول اللهص امتی قوى و توانا و با عزت بگردان بارالها!.

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٣﴾ [آل عمران: 53].

«پروردگارا ایمان آوردیم به آنچه فرو فرستاده‌ای و از فرستاده (تو) تبعیت ورزیدیم پس ما را با گواهان (بر تبلیغ رسول) بنویس.»

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾ [آل عمران: 1911-194].

«پروردگارا این جهان را به باطل خلق نفرمودی تو منزّهی پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما. پروردگارا محققا کسی را که داخل آتش کنی خوارش کرده‌ای و برای ستمگران یاورانی نیست. پروردگارا ما شنیدیم که نداکننده‌ای به سوی ایمان ندا می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا برای ما گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را جبران نما و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا آنچه به ما وعده‌ دادی بر پیمبرانت ما را عطا فرما و روز قیامت ما را خوار مکن به راستی که تو وعده را تخلّف نمی‌کنی». آمین.

وآخر دعوانا أن الحـمد لله رب العلمين وصلى الله على سيدنا وحبيبنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم.

منابع

قرآن کریم

تفسير انوار القرآن (استاد عبدالرؤف مخلص)

تفسير نور (استاد خرم دل)

كتب حديث اهل سنت

المنهج القرآنی الفاصل بین أصول الحق وأصول الباطل (دکتر طه حامد الدلیمی)

کتب حدیث شیعه

سایت البرهان www.alburhan.com

خرافات وفور در زیارات قبور

تالیف: آیت الله العظمى علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

زیارت از دیدگاه ائمه

تألیف: دکتر عبدالهادى حسینى

1. - این رساله بخشی از کتاب «المنهج القرآنی الفاصل بین أصول الحق وأصول الباطل» نوشتۀ جناب دکتر طه حامد الدلیمی می‌باشد که به شکل مستقل به عنوان «زیارة المراقد عند الشیعة» در سایت وزین البرهان www.alburhan.com نشر شده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مسألة 9 ص 5 من کراسة المسائل الدينية وأجوبتها. [↑](#footnote-ref-2)
3. - أحکام الشريعة (1/32). [↑](#footnote-ref-3)
4. - أخرجه الترمذی وصححه رقم (3925)، والنسائی فی الکبرى رقم (4239، 4238)، وابن ماجه رقم (3108)، والحاکم وصححه (783، 431). [↑](#footnote-ref-4)
5. - از کتاب خرافات وفور در زیارات قبور تالیف آیت الله العظمى علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی با تصرف. [↑](#footnote-ref-5)
6. - زیارت از دیدگاه ائمه  نوشته: دکتر عبدالهادى حسینى. [↑](#footnote-ref-6)
7. 1- دکتر شریعتی در کتاب تشیع علوی وتشیع صفوی مفصلاً در این باره نوشته است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحیح : [الجنائز 179]، کم (374/1)، هق (77/4)، هق (77/4). [↑](#footnote-ref-8)